

حلول ماه مبارک رمضان

ماه عبادت و بندگی

مبارک باد.

رمضان مبارک

به این شیشه‌ها نزدیک نشوید

باران نعاکار

تهیه و تنظیم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

بسمه تعالی

تا به حال شده توی یک ظرف شیشه‌ای مثل ظرف مربّا گیر بیفتی؟ یک ظرف شیشه‌ای کوچکی در بسته که هر چقدر دست و پا می‌زنی راهی برای فرار نداری. از داخل شیشه دنیا چه شکلی است؟ زندگی چه مزه‌ای دارد؟ می‌دانم که تا به حال به سرت نزده که بروی توی شیشه مربّا زندگی کنی، اما من پسرها و دخترهای زیادی دیده‌ام که توی شیشه‌های کوچک گیر کرده‌اند. آن‌ها دست و پا می‌زنند، خسته می‌شوند و گاهی هم گریه می‌کنند. چون نمی‌توانند زندگی را مزه کنند. همین دیروز یکی از این پسرها را دیدم، توی شیشه‌ی آهنگ و هدست گیر افتاده بود. چشم‌هایش پر از خواب بود، اما مجبوری توی اتوبوس آهنگ گوش می‌داد. یک دختر هم چند روز پیش دیدم که گیر افتاده بود توی شیشه‌ی کفش پاشنه‌دار. تمام پایش تاول زده بود و آرزو می‌کرد گردش با دوستانش زودتر تمام شود.

من زندگی‌های شیشه‌ای زیادی دیده‌ام، از شیشه‌های مدل مو و لباس گرفته تا شیشه‌های درس خواندن‌های الکی و

کتاب دست گرفتن‌های بی مطالعه. از شیشه‌های بازی‌های رایانه‌ای، گوشی، تبلت و وب‌گردی گرفته تا شیشه‌های زدن حرف‌های قلمبه و مثل آدم بزرگ‌ها رفتار کردن. آدم وقتی زندگی شیشه‌ای دور و بری‌ها را می‌بیند، به سرش می‌زند برود توی شیشه، اما وقتی گیر افتاد، وقتی نفس‌هایش به شماره افتاد، تازه می‌فهمد که چه بلایی سرش آمده. زندگی شیشه‌ای اصلاً مزه ندارد.

زندگی؛ یعنی دویدن، بالا و پایین پریدن، به اندازه خوابیدن و بازی کردن، درس خواندن با علاقه و دنبال کفش‌دوزک کردن. زندگی؛ یعنی این‌که خودِ خودت باشی؛ یک آدم خاص و منحصر به فرد. به نظر من آدم‌های داخل شیشه فقط زنده‌اند، زندگی نمی‌کنند. پس بیا زندگی کنیم، بیا یک قراری بگذاریم، بیا از امروز مواظب باشیم توی هیچ شیشه‌ای گیر نکنیم.